

چرا اعتراضات هر روزه کارگران در سنندج به نتیجه مطلوب نمیرسد؟



خالد حاج محمدی

است. کارگران در سنندج و حداقل این بخش از کارگران که مورد اشاره قرار گرفت، دست به ابتکارات مختلف برای جلب توجه جامعه و برای رساندن صدای خود به مردم و فشار به صاحب کار و مقامات دولتی زده اند. بارها دست به تحصن زده اند، در شهر سنندج راهپیمایی کرده اند، به تهران رفته و مقابل مجلس تجمع کرده اند، دهها بار در مقابل استانداری سنندج و اداره کار و در محل کار خود تجمع اعتراضی داشته اند. همین چند روز پیش در ۲۵ آبان و همزمان با

اعتراضات مدام کارگران بخشی از مراکز کارگری سنندج از نساجی کردستان، شاهو، ریسندگی پرریس و... بر کسی پوشیده نیست. در یکی دوسال اخیر ما شاهد مبارزات مکرر این مراکز و تعدادی دیگر از مراکز کارگری هستیم و هنوز هم عمده خواستهای آنها برآورده نشده

صفحه ۲

هفته ای که گذشت!

سفر احمدی نژاد، یک نمایش دلگی همراه با زور و ارباب مظفر محمدی



ظاهر میشود تا به زعم خود به مردم بگوید که با آنها و در لباس آنها و در کنارشان قرار دارد. اما یک مشاهده ساده، پرده از این حماقتگوییها و این مضحکه نمایش قدرت دولت احمدی نژاد و رییس مجلسش بر میدارد. صرفنظر از عوامفریبی و ریلکاری خاص این شیدان، این نمایشهای دلگی همراه با ارباب و فشار بر مردم، جز نشانه ترس و وحشت زایدالوصف این رژیم از

است. اما باور کردن اینکه حضور احمدی نژاد در کردستان و دیگر مناطق ایران با استقبال مردم مواجه بوده است یک ساده لوحی محض است. این کار حداد عادل رییس مجلس اسلامی است که از استقبال پرشور مردم کردستان از رییسشان دم بزند. احمدی نژاد در لرستان با لباس لری و در شمال با لباس گیلکی و اینبار در کردستان با لباس کردی

حضور واحدهای گارد آزادی، سمبل آزادی و انسانیت و نمایش قدرت مردم سرانجام پس از ماهها سبک سنگین کردن و تدارک نظامی و دولتی، احمدی نژاد را با تدابیر شدید امنیتی به شهرهای کردستان وارد کردند. ظاهرا این سفر که منتها است برای رییس جنایتکاران و دولتشان یک کابوس بود بی سر و صدا انجام شد و از این نظر برای او و دولت و مجلسش یک موفقیت ارزیابی شده

دستگیری اسانلو برای ایجاد رعب و وحشت در میان فعالین کارگری است!

میگیرد. ماموران وزارت اطلاعات در مقابل مقاومت آقایان اسالو و همراهان با شلیک تیر هوایی، ایشان را به درون ماشین خود کشیدند.

منصور اسالو دردی ماه سال گذشته در زمان اعتصاب در شرکت واحد تهران در حمایت از سندیکای کارگران شرکت واحد دستگیر شد و به مدت ۸ ماه در زندان به سر برد و بعد از اعتراضات وسیع و جهانی در دفاع از کارگران شرکت واحد و علیه دستگیری اسالو، با یک وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی آزاد شد. دستگیری جدید در حالی صورت گرفت که بازجویی و تشکیل دادگاه اسالو در جریان است و ایشان با دریافت

منصور اسالو دبیر سندیکای شرکت واحد امروز صبح یکشنبه ۲۸ آبان در خیابان دستگیر شد. اسالو میخواست همراه دو عضو دیگر هیئت مدیره سندیکا، آقایان ابراهیم مندی و منصور حیات غیبی جهت پیگیری شکایت در مورد اخراج فعالین سندیکا و شرکت کنندگان و فعالین اعتصابات دی و بهمن ماه سال گذشته در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، به اداره کار مراجعه کنند. اما در بین راه آنها توسط ماموران آقای اسانلو بازداشت میشود و آقای ابراهیم مندی به دلیل درخواست ارائه مدرک احضاریه از ماموران، مورد ضرب و شتم قرار

واحدهای گارد آزادی دوستان آشنا ی مردم اند!

بود. منتها بعد از آن هم پرورشورهای معرفی اهداف گارد آزادی و اطلاعیه واحد آبیتر گارد در میان مردم دست به دست میگشت. ما حضور مسلحانه و شکره مند واحد آبیتر گارد آزادی را در میان مردم به فرمانده و اعضای این واحد تبریک گفته و دستشان را به گرمی میفشاریم. زنده باشید رفقا! همچنین از استقبال مردم محله مثلنو از حضور مسلحانه دوستان خود در محله شان قدردانی میکنیم ابراز شادمانی و همکاری و محبت مردم، زنان و مردان و جوانان نشانه اشتیاق بی نظیرشان به آزادی و استقبال از انسانیت و برابری است. مردم! جوانان! گارد آزادی یکی از ارکنهای تحقق آزادی و انسانیت و ضامن و حافظ این آزادی را تقویت کنید! به گارد آزادی بپیوندید!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست فرمادهی گارد آزادی ۱۸ آبان ۸۵ (۱۹ نوامبر ۲۰۰۶)

دوهفته پیش مردم شهر سنندج شاهد حضور واحد بهاران گارد آزادی بونند. به دنبال آن و دیروز شنبه ۱۷ آبان واحد آبیتر گارد آزادی در یکی از محلات شهر سنندج حضور یافت. اهالی محله و بخصوص جوانان با شنیدن نام گارد آزادی دورشان حلقه زدند. گارد آزادی دیگر چهره آشنا ی مردم شهر شده است. این بار محله مثلنو و بلوار شبلی منطقه حضور واحدهای مسلح گارد بود. اعضای واحد به مغازه های زیادی در این خیابان سر زدند و با مردمی که در رفت و آمد و یا مشغول خرید بودند به گفتگو پرداختند. سالکین خانه های اطراف پنجره های خود را باز کرده بودند. شعار زنده باد گارد آزادی و مرگ بر جمهوری اسلامی خیابان و کوچه های اطراف را پر کرده بود. واحد آبیتر گارد آزادی در میان مردم محله مثلنو با استقبال گرم مواجه شده و حضورشان موجب خوشحالی زیاد زنان و مردان و جوانان محله گردید. با حضور اعضای واحدی از گارد آزادی چهره محله از ساعت ۶ و نیم تا هفت و نیم بعد از ظهر و حد اقل به مدت یک ساعت تغییر کرده و فضایی انسانی ایجاد شده

دور دیگر از اعتراضات مردم شهرهای کردستان عراق

تجمع کارگران بر علیه اخراج و بیکاری در مقابل استانداری سنندج بهنگام حضور احمدی نژاد و وزیر کار

باید به این تراژدیها پایان داد (پری زارع)

ابتکارات اعتراضی جوانان و مبارزین شهرمیوان فضا را بر رئیس جنایتکاران اسلامی تنگ کرد.

۱۶ آذر روز اعتراض علیه اختناق و نابرابری



آزادی، برابری، لغو آپارتاید جنسی، خراج دیوانه‌های انتظامی از دانشگاه ما، لغو دیوار انعام کمپله های انحصاری، آزادی هوای بدآبایی جاسوس، آزادی بیلده و شورا های آزادی بیلده و شورا های

www.jawans.com
سازمان جوانان حکمتیست

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اسلامی يك زندگى فلاکتبار و درنگ را تجربه کرده است.

پیام‌گارد آزادی پیام این نسل جوان است که ۷۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و زندگیشان در سایه این رژیم تیره شده است. پیامی که می‌گوید تنها می‌توانند با ستان خود این زندگى را دوباره بسازند. گارد آزادی الگوى برگرداندن اراده و اختیار به این نسل زجر کشیده با ارزش‌های در گلو خفه شده است.

مردم سنج و همه شهرهای کردستان و ایران سالها است نفرت از رژیم اسلامی را در دل پروراندند. نه این سفرهای دلخوار و عوانفریبی و ریکاری و وعده‌های پوچ، التیام بخش این زخمهای عمیق بر پیکر جامعه است و نه اراغب و سرکوب توانسته است مردم عاصی و خواهان زندگى شاد و آزاد و مرفه را به سکوت وادارد.

برای دستیابی به يك زندگى انسانی، راهی جز پاك کردن لکه ننگ رژیم اسلامی بر پیکر و پيشانی جامعه بشرى امروز نیست.

مظفر محمدی ۱۰ آبان ۸۵ (۲۰۰۶ نوامبر)

از حرمت انسانی را به گوش زنان و مردان و جوانان رسانند.

قبل از سفر احمدی نژاد و بهنگام تدارکات شدید امنیتی و نظامی در شهر سنج، واحد بهاران گارد آزادی در محلات شرق شهر سنج به میان مردم رفت و از آنها خواست تا برای دفاع از نان سفره و آزادی و حرمت انسانیشان به میدان بیایند.

متعاقباً بهنگامی که نیروهای نظامی و امنیتی و گارد مخصوص، احمدی نژاد را از سنج بیرون بردند واحدی دیگری از گارد آزادی، واحد آبیرو، در محلات غربی سنج حضور یافتند. این واحد گارد آزادی نیز در اطلاعیه خود به مردم شهرش اعلام کرد که: "گارد آزادی برای حفظ حرمت شما و برای دفاع از آزادی و انسانیت در میان شما و شبانه روز در کنار شما است!"

این پاسخ مردم سنج و فرزندانشان در واحدهای گارد آزادی به سفر احمدی نژاد و به مضحکه حضورش تحت پوشش امنیتی و نظامی شدید بود. احمدی نژاد به سنج آمد تا به کودکان بیستانی و کارمندان که نان سفره شان را گرو گرفتند تا آنها را به "استقبال" بکشاند، بگوید، برایشان راه آهن و کارخانه و سالن و میدان ورزشی و زندگى پر از رفاه و آسایش می‌آورد... و این جز دهن کجی به يك نسل کامل جوان ایرانی نیست که در حیات ننگین

سرکوب کارگران و زنان و جوانان دستشان در دست همديگر باشد.

اما نه این نمایشهای مسخره ریکاری کسی را فریب میدهد و نه برای مردم منتظر از کلیت نظام منحوس اسلامی، وعده‌های توخالی این شیدان تلخوش کننده است. همه این تمهیدات رژیمی که بیش از سه دهه جنایت و سرکوب و کشتار و سنگسار زن و انیت و آزاد جوان را پیشه کرده است، برای مردم بیشتر از پیش نفرت انگیز و توهع آور است.

برای رسیدن به آزادی و حرمت انسانی و برای رهایی از فلاکت اقتصادی طبقه کارگر و نجات نصف انسانهای جامعه ما از آپارتاید جنسی و رهایی فرهنگی و اخلاقی نسل جوان ایران از دخالت‌های مذهبی و پلیسی در زندگیشان... تنها راه جارو کردن این نظام و پاك کردن جامعه از لوث وجودشان است.

اما همزمان با این نمایش و مضحکه سفر احمدی نژاد به شهرهای کردستان چه به هنگام تدارک نظامی و امنیتی آن و چه پس از آن اتفاقات دیگری افتاد که میتوان آن را به عنوان پاسخی به این حضور نفرت انگیز رییس جنایتکاران در شهرهای کردستان به حساب آورد.

واحدهای گارد آزادی یکی پس از دیگری در محلات شهر سنج حضور یافتند و پیام آزادی و دفاع

نشانه و رشکستگى دستگاههای اقتصادی و سیاسی و اداری این رژیم است. احمدی نژاد به سبک پیامبران و شاهان صندوق جمع آوری استغاثه به دربار را در شهرهای ایران میگرداند و به سبک صدام حسین هر جا رفت لباس محلی آنجا را به تن کرده و بر سر کودکان دست نوازش میگذرد. و به نشانه "ابراز محبت" به جوانان کاپشش را به جوانی میبخشد!

این توهین به مردم ایران و دست کم گرفتن حرمت و انسانیت و مدنیت در جامعه ای است که مردمانش تشنه مدرنیسم و تمدن اند و الگویشان پیشرفتهای انسان متمدن اوایل قرن بیست و یکم است. مردم ایران این اهانت را بر رژیم احمدی نژادها نخواهند بخشید. عوامفریبی همراه با زور و اراغب کار دیکتاتورها و فاشیستها برای پوشاندن و مقبول نشان دادن چهره کریه ضد مردمیشان است.

الگوی شاهان قدیم و صدام حسین ها و الگویی به شدت ریکار، ضد بشری، ارتجاعی و نفرت انگیز است.

احمدی نژاد لباس کردی پوشید تا به ناسیونالیستهای کرد بگوید که با لباس و فرهنگشان مشکلی ندارد، هر نو از يك جنسند و علیرغم غرولند ناسیونالیستهای کرد که سهمشان در ادارات دولتی و سرکوب مردم کم است، میتوانند همه جاد در مجلس و بنگاهها و نهادهای دولتی در کنار هم، و در

نفرت عظیم مردم نیست. تصورش را بکنید که در شهر يك میلیونی سنج، هزاران کودک زیر ۱۵ سال دبستانی را به میدان میکشاند. کارمندان تهید شده به اخراج را به اجبار میآورند و بسیجیهای ریزه خوارشان را به صف میکنند... و اسم این را میگذارند استقبال مردم از احمدی نژاد. این يك بیشرمی محض است.

احمدی نژاد در میان فوج نظامیان و لباس شخصیهایش به سنج و شهرهای دیگر کردستان آورده شد. نوکران محلیش لباس کردی تنش کردند و دلخوار به اینجا و آنجا کشاندند. این عوامفریبی و ریکاری توهع آور در میان موجی از تنفر مردان و زنان و کارگران و جوانان شهرهای کردستان انجام شد. همزمان کارگران بیکار و اخراجی کارخانه های سنج انزجار و اعتراض خود را به بیحقوقی محضی که به آنان تحمیل شده ابراز کردند. در مریوان جوانان با انفجارهای صوتی و با شکستن دیوار جداسازی زن و مرد اعتراضشان را به حضور نماینده دولت ضد زن و ضد انسان اعلام نمودند.

سفرهای نون کیشوتی احمدی نژاد هیچ معجزه ای برای رژیم اسلامی به بار نمی آورد و دردی از این رژیم بی آبرو و ورشکسته را درمان نمیکند. برعکس، جمع آوری چند تن نامه های شکواییه مردم مستاصل و فلاکت زده خود

احضار به قرار بود فردا دوشنبه به شعبه چهار بازپرسی کارکنان رجوع کند. برای همین دستگیری اخیر سالو فقط به منظور ایجاد رعب و وحشت در میان فعالین سندیکای شرکت واحد و کل فعالین کارگری و اجتماعی در ایران صورت گرفته است.

دستگیری مجدد سالو و به کار بردن خشونت در زمان دستگیری و تیراندازی هوایی فقط و فقط برای ترساندن فعالین کارگری و بازداشتن آنها از فعالیت برای ایجاد تشکیلات کارگری و دفاع از حقوق کارگران است. این توحش افسار گسیخته را نباید بی جواب گذاشت. دستگیری و ربودن و ترور فعالین کارگری و مخالفان رژیم سیاست رسمی جمهوری اسلامی است که اخیرا به آن شدت داده است تا بتواند بر موج نفرت علیه خود فایق آید.

اما جمهوری اسلامی در عرض ۲۸ سال باید این درس را گرفته باشد که اعتراضات و اعتصابات کارگری و تلاش کارگران برای دستیابی به مطالبات خود را نمیتوان با بگیر و ببند و زندان و اعدام پاسخ داد و مانع آن شد.

جمهوری اسلامی بدون حمله به کارگران و مردم آزادیخواه، جمهوری اسلامی نیست. ترور و کشتن و زندان و ربودن تنها راه ادامه حیاط این دولت است. این ما کارگران و فعالین کارگری و مردم معترض هستیم که باید در مقابل آنها سدی ایجاد کنیم و سر جای خودشان بنشانیمشان. فعالین کارگری باید پاسخ جمهوری اسلامی را با اعتراض علیه این ترور و ربودن آشکار فعالین و نمایندگان خود بدهند. سکوت در مقابل این توحش تنها راه ترور و کشتار کارگران و مردم را هموار میکند.

حزب حکمیتست ضمن محکوم کردن این اقدام مزدوران رژیم، همه کارگران و مردم آزادیخواه را به حمایت از سالو و تلاش برای آزادی او فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران حکمیتست

یکشنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۵ - ۱۹ نوامبر ۲۰۰۶

طبق اطلاعیه های تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری عراق، امروز جمع وسیعی از مردم شهر قلعه دزی در اعتراض به کمبود امکانات زیستی، به عدم دسترسی به آب و برق، برای تامین حداقل بهداشت و امکانات راه و حمل و نقل و... دست به اعتصاب یک روزه زدند، و به احزاب "حاکم" و دست اندرکاران التماوم دادند.

هم چنین طبق خبرهای رسیده دانشجویان دانشگاه سلیمانیه و هنر جوانان هنرستان دخترانه بخش تکنیک شهر کلار نیز به شرایط غیر قابل تحمل زیستی و تحصیلی خود مدت یک هفته است که دست به سلسله تحریکات اعتراضی زده اند. اکتبر



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

باید به این تراژدیها پایان داد! ناموسپرستی و عقب ماندگی همچنان از میان زنان و جوانان ما قربانی میگیرد. (پری زارع)

هفته پیش رژیم اسلامی جوانی را به نام "ناصر باتماتی" از اهالی روستای باتماتی حومه کامیاران به اتهام قتل به دار مجازات سپرد. ناصر باتماتی ۴ سال پیش از سوی خانواده دوست دخترش که به رابطه آنها پی برده بودند، مورد تهدید و آزار و انیت قرار گرفت و سرانجام در یک درگیری روبرو با چند تن از آنها که به سراغش آمده بودند در حال دفاع از خود موجب مرگ یک نفر شد. پس از ۴ سال حبس سرانجام هفته گذشته حکم اعدام وی به اجرا گذاشته شد. وقوع چنین پیشامدهای ناگویی که محصل عقب ماندگی و مردسالاری و مذهب است، از طرفی بهانه ای به دست رژیم

نسلی از جوانان آزادیخواه و خواستار زندگی ای انسانی و مدرن تگ کرده است. باید جوانان و بخصوص دختران را از چنبره این فشار مضاعف نجات داد. همین روزها دوستی از تبریز درد دل میکرد که خانواده اش او را با دوست پسرش دیده و یک هفته در منزل زندانی اش کرده اند. این وضعیت دختر دانشجویی است که در یک شهر بزرگ زندگی کرده و هنوز تا حدودی توانایی دفاع از خود را دارد. حال تصورات این تراژدی انسانی در شهرهای کوچک و محیطهای عقب مانده مشکل نخواهد بود. این عقب ماندگیها و مناسبات ارتجاعی و مردسالار در واقع آبخوری برای رژیم است. جهت تحکیم آن قوانین شرعی وضع میکند، برای قربانیانش تنب دارد، برپا میدارد و وجدان و احساس و عواطف، زنان و مردان و جوانان را به بازی مگیرد. این رژیم خود عامل و بانی اصلی

وضعیت اسفبار موجود است. اعدام ناصر باتماتی هانمونه هایی روزمره از جنایات رژیم است. حاکمیتی که عشق و دوستی و رابطه آزاد انسانها را به نام شرع و قانون اسلامی ممنوع کرده است. با راه انداختن دسته های پلیس منکرات و لباس شخصی تحت عنوانین رنگارنگ ماموران پلیسهای بسیج و ضابطین قوه قضاییه و آمران به معروف و ناهیان از منکر و ... در خیابانها و اماکن عمومی و حتی خصوصی، جوانان را تحت فشار قرار میدهد، بازداشت و زندانی و شکنجه میکند، جو وحشت و اختناق را دامن میزند و خشونت، مردسالاری، ناموسپرستی و عقب ماندگی را در بخشهایی از جامعه تثبیت و تداوم میدهد. اینها البته چیز تازه ای نیست. آنقدر تکراری و روزمره اند که چه بسا چشم به دیدنش و گوش به شنیدنشان عادت می کند. آنقدر استمرار می یابند و آنچنان محق پنداشته می شوند که گویی کم کم

چرا اعتراضات هر روزه کارگران در سندانج به نتیجه مطلوب نمیرسد؟ از ص ۱

حضور احمدی نژاد کارگران نساجی کردستان، شاهو، پریس و آلومینوم و علوم پزشکی در مقابل اداره کار و امور اجتماعی و سرانجام در مقابل استانداری تجمع کردند. ۷ نفر نماینده از میان خود جهت مذاکره با وزیر کار انتخاب کردند و صدای اعتراض خود را به گوش همه رسانند. در کل این مبارزات خواستهای واقعی و اساسی آنها از پرداخت حقوقهای معوقه، بازگشت به کار کارگران اخراجی، لغو قرار دادهای موقت کار و کار با بیمه بیکاری برای بیکاران را طرح کرده اند. جمهوری اسلامی از کارفرمایان و استاندار سندانج تا مسئولین اداره کار رژیم و شورای اسلامی و نماینده مجلس، به کمک مرکز اطلاعات، خانه کارگر، نیروی انتظامی و لباس شخصیها و حتی نیروهای ویژه، به تقابل با کارگران نبر خاسته اند. همگی با هم ضمن تهدید و اراغاب و دستگیری نمایندگان آنان و گاهای اخراج نمایندگان کارگران همزمان با وعده سر خرمن و فریب و سروانندن، علیه کارگران به میدان آمده اند. با تمام این تهدیدات کارگران کوتاه نیامده اند، و متحدانه از مطالبات خود دفاع کرده اند و تلاشهای قابل

نیاورده اند. گفتم مشکل این است که متحد کنندگان خود پراکنده و غیر متحد هستند. بدون تفوق و ایجاد اتحاد در خود این صف، توقع کاری جدی و ایجاد اتحاد در میان کارگران از ابعاد وسیع ناممکن است. یک منبع جدی در این راه سکتاریسمی است که بر این بخش شدیداً عمل میکند. تلاش برای تفوق حتی نه سیاست خود در قبال جنبش کارگری و به شیوه اصولی، که تلاش برای حذف دیگرانی است که به دهم فعال کارگر یا کمونیست، خودی نیست. وجود گرایشهای مختلف در جنبش کارگری امری واقعی است و بحث من آشتی غیر اصولی این گرایشها با هم نیست. مشکل این است که خود اختلافات تا این سطح هنوز ارتقا نیافته و در این میدان ابرز وجود نکرده است. مشکل این است قبل از رفتن پای کاری جدی و ظهور اختلافات در این سطح، خط و نشانه کشیده شده اند. اختلاف گرایشها سر مسائل جنبش کارگری و راهکارهای پیشرویی آن قابل فهم است. بحث این است که اختلافات سیاسی آنها و بعضاً و اساساً نه سر مسائل کارگری و راه حلهای مختلف، عامل این انشقاق در میان فعالین کمونیست و کارگر در کردستان است. به هر حال در این مورد جا دارد جداگانه و مفصل صحبت کرد و نوشت و نقد کرد. فاکتور دیگر عدم توجه به کار پایه

مسئله به سلگی این است که قدرت کارگر در خیابان نیست! کارگر ممکن است روزی هم به خیابان بریزد و حتی مسلحانه وارد قیام هم شود که خواهد شد، ولی قدرت کارگر در محل کار و تولید است. در نقشی است که در تولید جامع دارد و در این است که میتواند تولید را بخواباند. جنبش دانشجویی را میتوان فهمید که هر روز به خیابان بیاید و اعتراض کند و ایجاد فضا کند. اما قدرت کارگر و مکانی که امکان دارد بر کارفرما و دولت تفوق پیدا کند اساساً کارخانه و مرکز کار است. در این تردید ندارم که اعتراضات کارگران ارزشی داشته است. اگر این اعتراضات نبود، اوضاع کارگران در همین مراکز از این به مراتب وخیمتر میبود. اما اگر خواهیم تأثیری جدی بگذاریم، راهش اعتصاب کارگری است. اعتصاب کارگری در مراکز کار و دولت و صاحب کار را تحت فشار میگذارد. اعتصاب کارگری در مراکز مهم تولیدی یا خدماتی و ... آنجا است که دولت و صاحب کار را توان دوان مجبور به تمکین خواهد کرد. اینجا است که هر ساعت اعتصاب میتواند شهری را بلزاند. سندانج، سقز، مهاباد و بوکان، آبادان و اصفهان و تهران نیست، این قابل فهم است. اعتصاب در میان کارگران برق و شهرداری و ترانسپورت در

تجمع کارگران بر علیه اخراج و بیکاری در مقابل استانداری سنج بهنگام حضور احمدی نژاد و وزیر کار

کارگران در سنج بزرگ هم خواست کار و یا بیمه بیکاری را بر افراشتند امروز ۲۵ آبان ماه در حالی که احمدی نژاد سرریسته جانبان اسلامی و مرتجعین در استانداری سنج به سر میبرد. بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران اخراجی و بیکار و کارگرانی از مراکز مختلف کارگری دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار بیمه بیکاری، و یا کار شدند. آنها به قانون کار رژیم اعتراض کردند و خواهان مذاکره با وزیر کار شدند.

کارگران از ساعت ۹ تا ۱۰ در مقابل استانداری تجمع کرده و خواهان مذاکره با وزیر کار در

مورد وضعیت کارگران و بازگرداندن کارگران اخراجی به کار شدند. وزیر کار منیر کل اداره کار را به میان کارگران فرستاد و به آنها وعده مذاکره در اداره کار را میدهد. کارگران نمایندگانی را برای این مذاکره انتخاب میکنند. شیبست امانی، بهزاد سهرابی، خالد سواری، علی پالیزی، رامین قره‌بای، خاتم متوالی و حسین زارعی.

کارگران تجمع خود را در مقابل اداره کار به مدت یک ساعت دیگر ادامه میدهند و متوجه میشوند که این صرفاً وعده‌ای برای بهم زدن تجمع و پرانده کردنشان بوده است. تهدید و ترساندن کارگران بوسیله نیروهای انتظامی و امنیتی مانعی در ادامه کارگران نمیتواند وجود بیاورد و کارگران تصمیم به تجمع در مقابل استانداری گرفته و از ساعت ۴ تا ۷ این تجمع ادامه پیدا میکند. آنها خواست های

خود مبنی بر عدم اخراج و بیمه بیکاری برای بیکاران را طرح میکنند.

کارگران سنج بزرگ و در فرصتی مناسب و در حالی که احمدی نژاد و بخشی از کابینه و دست اندرکاران رژیم در محل در تدارک ادامه عوامفریبی بودند و فضای نظامی و ترس را در شهرهای کردستان دامن زده اند دست به اعتراض زدند. این تجمع و اعتراض خود صدای حق طلبانه اکثریت کارگران و محرومان جامعه بود. این تجمع بهترین پاسخ کارگران و بهترین پاسخ به حضور احمدی نژاد و همه عوامفریبی ها، سرکوب و اخراج هایی است که مرتباً در مراکز کار به بهانه های مختلف صورت میگیرد. در حالی که رژیم و دست اندرکاران ریز و درشت نظامی و انتظامی سرگرم بسیج اجباری دانش آموزان و کارمندان و ... بودند کارگران خواست

مردم محروم را در مقابل محل حضور آنها فریاد زدند.

اعتراض کارگران و مردم محروم بویژه در این روز ها که احمدی نژاد و دیگر جانبان همراهش در شهرهای کردستان حضور دارند ادامه خواهد یافت.

زنده باد اتحاد کارگران بیکار و شاغل بر علیه بیکاری

زنده باد کارگران و فعالین کارگری تجمع امروز، جامعه بدون شما تاریک است.

کمیته سنج حزب حکمتیست

۲۵ آبان ۸۵

۱۶ نوامبر ۰۶

ابتکارات اعتراضی جوانان و مبارزین شهر میوان فضا را بر

رئیس جنایتکاران اسلامی تنگ کرد.

احمدی نژاد مجبور شد به سرعت شهر میوان را ترک کند. در اطلاعیه دیروز سه شنبه ۲۳ آبانماه به اطلاع رسانیم رئیس جمهور رژیم جنایتکار اسلامی قرار است به شهر میوان سفر کند. به این مناسبت نیروهای نظامی و انتظامی وسیعی در سطح شهر و حومه به حال آماده باش در آمده بود. به مدارس و کارمندان همه ادارات اعلام شده بود که خود را برای حضور در مراسم رسمی آماده کنند. امروز سرریسته جنایتکاران اسلامی در میان تدابیر شدید امنیتی ساعت ۱۲ ظهر وارد استادیوم ورزشی شهر میوان شد.

جمهوری اسلامی از یک طرف با گسیل وسیع مزدوران نظامی و بسیج به استادیوم و از طرف دیگر با بکل گرفتن روشهای متعدد زور و تهدید

دانش آموزان و کارمندان دولتی را به استادیوم شهر کشاند. اما مردمی که به زور به این اجتماع آمده بودند، بویژه جوانان با ابتکارات اعتراضی سمبولیک تنفر و اعتراض خود را نسبت به حضور احمدی نژاد ابراز کردند. جوانان دختر و پسر میله هایی را که برای جدا سازی زنان و مردان در استادیوم ایجاد کرده بودند، از میان برداشتند و علیرغم فشار و مقابله مزدوران جمهوری اسلامی جدا سازی را بر هم زدند. قوانین و موازین اسلامی را زیر پا گذاشتند و زن و مرد و دختر و پسر در این استادیوم قاطی هم شدند. این اقدام فضای ملتهب و فشار علیه احمدی نژاد و همراهانش را موجب شده بود.

در آغاز سخنرانی احمدی نژاد و در اقدام دیگری توسط مبارزین شهر ابتدا یک بمب صوتی در درون استادیوم منفجر شد. به دنبال بمب دیگری با صوت بسیار بزرگتر در بیرون استادیوم منفجر شد. به دنبال این دو انفجار فضای استادیوم ملتهب تر و ترس و ناامنی به وضوح بر چهره احمدی

و ناکام گذاشتند. بار دیگر نشان دادند که جمهوری اسلامی و سرانش در میان مردم جایی ندارند.

کمیته میوان حزب حکمتیست همگام با اعتراض و مبارزه مردم شهر، به زنان و مردان و دختران و پسران و همه جوانان و مبارزین پر شور درود میفرستد که با ابتکارات متعدد خود فضا را بر احمدی نژاد و دیگر مزدوران جمهوری اسلامی تنگ کردند. این واقعه را به آنها فهمانند که جایی در میان مردم ندارند.

کمیته میوان حزب حکمتیست

۲۴ آبان ۱۳۸۵ / ۱۵ نوامبر ۲۰۰۶

تلف تماس با کمیته میوان حزب حکمتیست -

009647701547921

حضور با شکوه واحد آیدر گارد آزادی در سنج

امروز شنبه ۲۷ آبان ساعت شش و نیم بعد از ظهر واحد آیدر گارد آزادی در محله مشاهو سنج مسلحانه حضور یافت. حضور واحد گارد در میان مردم موجب شور و اشتیاق زاید الوصف گردید. مردم محله مشاهو زن و مرد و جوان به گرمی از واحد آیدر گارد آزادی استقبال کردند.

صدها برگ تبلیغی از تراکت معرفی گارد آزادی در میان مردم پخش گردید. فرامنده و اعضای واحد آیدر گارد آزادی با مردم و جوانان مشتاق به گفتگو پرداختند و آنها را به مبارزه و اتحاد علیه جمهوری اسلامی فراخواندند. همچنین آنها را به پیوستن به گارد آزادی دعوت نمودند.

واحد آیدر گارد آزادی تا ساعت هفت و نیم، حدود یک ساعت با مردم محله مشاهو به گفتگو پرداختند. در اطلاعیه بعدی اخبار تکمیلی حضور واحد آیدر گارد آزادی را به اطلاع میرسانیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

فرماندهی گارد آزادی

27 آبان ۱۳۸۵ - 18 نوامبر 2006

سنجد، اعتصاب نفت و نوب آهن نیست که دولت را بلرزاند. اما اگر اعتصاب نفت کل جمهوری اسلامی را میتواند به لرزه در آورد، اعتصاب کارگران مراکز مهم در سنج میتواند شهر سنج را بلرزاند. این مهم عملاً به اندازه خود اکیسون خیابانی متأسفانه در ذهن فعالین کمونیست، رفقای ما، فعالین کارگری در سنج و شهرهای دیگر برجسته نیست. لذا این هم یک وظیفه مهم بر روش فعال کمونیست و رهبر کارگری است. البته این یکی کاری جدیت و پایه‌ای تر و با حوصله و اساسی تر را میطلبد، اما موثر است و اینجا مرکز قدرت کارگر و نقطه ضعف دولت و کارفرما نیز میباشد.

قابل فهم است که کارگران بخشی از مرکز از جمله شاهو و نساجی سنج و پرریس این اقدام را هم کرده اند، ولی خود این مراکز همیشه در حال تعطیل شدن و بستن بوده است. اما برق و شهرداری و مرکز صنعتی و نفت و بنزین و بیمارسان را نمیتوان بست. اینها مراکز کلیدی هستند که تعطیلی یک روزه آنها تمام شهر را مختل خواهد کرد. اینجاست که استاندار و اداره کار و مرکز اطلاعات و کارفرمایان را مجبور میکند که با خواش و تمنا تقاضای مذاکره با کارگر کنند. کارگر شاغل و بیکار حول همین خواستها که در تجمع ۲۵ آبان سنج صورت گرفت میتواند متحد شود، اما اتحاد در این مراکز و اعتصاب کارگری حلقه اصلی است و تلاشها در این جهت باید پیش برود. همچنانکه که گفتم راه انداختن مجامع عمومی منظم و تلاش برای دخالت مستمر کارگران، قتمهای اولیه و در عین حال مهم و شنی در راه تشکیل کارگری است. فعالین کارگری در سنج باید و حیاتی است که حول راهکارهای حل مشکلات و شعارها و مطالبات معین خود متحد و برای اتحاد کارگران در مراکز مختلف تلاش کنند. این البته در گرو مبارزه ای جدی با تنگ نظری و سکتاریسم و فرقه گرای است که متأسفانه در میان فعالین کمونیست و کارگری در کردستان به دلایل روشن و تاریخ موجود است. همزمان کارگران شاه و پرریس و نساجی کردستان در اتحاد با مراکز مهم و اصلیت در این شهر میوانند فشاری جدی به کارفرمایان و دولت آنها بیاورد. بدون تلاشی صمیمانه در حل این معضلات، تلاش و جانفشانی و خطر کردن هر روزه کارگران این مراکز، نتیجه مطلوب نخواهد داد.

خالدحاج محمدی

khaledhaji@yahoo.com

۲۱ نوامبر ۲۰۰۶

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

husienzade_r@yahoo.com
Tel:0046739855837

سردبیر:

sharifi_abbollah@yahoo.com
Tel: 0046704007620

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوندید!